259676 ـ یادآوری نعمت‌ها با قلب و زبان و اعضای بدن است

سوال

پروردگار ما سبحانه و تعالی در قرآن کریم ما را امر نموده تا نعمت‌هایش را یادآور شویم و سپس نعمت‌های پرشماری را ذکر فرموده است، مانند این سخن الله متعال که: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا ۚ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا [احزاب: ۹] (ای کسانی که ایمان آورده‌اید نعمت الله را بر خود یادآور شوید آنگاه که لشکرهایی به سوی شما آمدند پس بر آنان تندبادی و لشکرهایی که آنها را نمی‌دیدید فرستادیم و الله به آنچه می‌کنید بیناست). سوال من این است: یادآوری نعمت چنانکه پروردگارمان امر نموده چگونه است؟ آیا منظور ذکر نعمت در برابر مردم و سخن گفتن از آن است یا منظور فقط یادآوری است، یا چیز دیگر؟ الله به شما جزای خیر دهد.

پاسخ مفصل

الحمدلله.

امر در این آیۀ کریمه که شما ذکر کردید خطاب به صحابه و مومنان است که نعمت و فضل الله و احسان او را در شکست دشمنان و برگرداندن نیرنگ آنان به یاد آورند.

ابن کثیر ـ رحمه الله ـ می‌گوید:

الله تعالی نعمت و فضل و احسانش در حق بندگان مومن را در دور ساختن دشمنان و شکست آنان هنگامی که علیه آنان در سال خندق یکدست شده بودند یادآور شده است (تفسیر ابن کثیر: ۶/ ۳۸۳).

هر جا در قرآن سخن از یادآوری نعمت شد منظور یاد آوردن نعمت با دل است که با یادآوری فضل الله بر بندگانش صورت می‌گیرد و همچنین یادآوری آن با زبان که با سخن گفتن از آن است و به همین صورت یاد آوردن آن با اعضا و جوارح که آن را در آنچه باعث خشم پروردگار عزوجل است به کار نگیرد.

بنابراین ذکر الله همان شکر اوست که با قلب و زبان و جوارح امکان دارد که هریک دیگری را تصدیق کند وگرنه آن شکر دروغین خواهد بود.

شیخ ابن عثیمین ـ رحمه الله ـ در تفسیر این آیه می‌گوید:

وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ [بقره: ۲۳۱]

(و نعمت الله در حق خود را یادآور شوید).

«ذکر با قلب و زبان و جوارح است؛ ذکر با زبان به این صورت است که بگوید: خداوند به من چنین و چنان نعمت ارزانی داشته، همانطور که الله متعال می‌فرماید: وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ [ضحی: ۱۱] (و از نعمت پروردگارت [با مردم] سخن گوی) پس با آن نعمت ثنای الله عزوجل را می‌گویی که: خداوندا برای آنچه از مال یا همسر یا فرزندان یا مانند آن به من نعمت ارزانی داشته‌ای تو را ثنا می‌گویم.

و ذکر با قلب به این شکل است که آن را در دل به یاد بیاوری و به نعمت الله معترف باشی.

و ذکر آن با اعضا و جوارح به این شکل است که طاعت الله را انجام دهی و اثر نعمت الله بر تو دیده شود» (تفسیر سورۀ بقره: ۳/ ۱۳۲).

خواجه عبدالله انصاری هروی ـ رحمه الله ـ می‌گوید: معانی شکر سه چیز است: شناخت نعمت، سپس قبول نعمت، سپس ستایش [پروردگار] برای آن.

ابن قیم ـ رحمه الله ـ در شرح سخن شیخ الاسلام هروی می‌گوید:

«اما شناخت آن یعنی حاضر ساختن آن در ذهن و مشاهده و تمییز آن.

شناخت آن: یعنی تحصیل آن در ذهن.

و پذیرش آن: یعنی دریافت آن از مُنعِم با اظهار فقر و نیاز به آن نعمت و اینکه رسیدن این نعمت نه از روی شایستگی و پرداخت هزینه‌ای بوده بلکه خود را همچون کسی ببیند که بی‌دعوت به سفرۀ دیگران حاضر شده و این شاهدی است بر پذیرش آن از روی حقیقت.

سپس ثنای آن یعنی: ثنای نعمت دهنده که متعلق به نعمت است و بر دو نوع است: عام و خاص:

عام یعنی: وصف او به جود و کرم و نیکی و احسان و عطای گسترده و مانند آن.

و خاص یعنی: سخن گفتن از نعمت او و آگاه ساختن دیگران از اینکه نعمت از سوی او آمده چنانکه الله تعالی می‌فرماید:

وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ [ضحی: ۱۱]

(و از نعمت پروردگارت [با مردم] سخن گوی).

دربارۀ این سخن گفتن که به آن امر شده‌ایم دو قول آمده است:

نخست: این یاد آوردن نعمت و آگاه کردن از آن است و گفتن اینکه: خداوند با این نعمت و آن نعمت بر من منت نهاده. مُقاتِل می‌گوید: یعنی نعمت‌هایی را که در این سوره ذکر شده شکر بگو که جبران یتیمی و هدایت بعد از گمراهی و بی‌نیازی پس از فقر است.

و سخن گفتن از نعمت الله شکر است چنانکه در حدیث جابر آمده است: هر کس در حقش نیکی کردند آن را جبران کند، پس اگر چیزی برای جبران نیافت آن را ثنا گوید. زیرا اگر ثنایش را گوید شکرش را ادا کرده و اگر کتمانش کند کفران ورزیده و آنکه با آنچه ندارد خود را زینت دهد مانند کسی است که دو لباس دروغین پوشیده باشد به روایت بخاری در ادب المفرد (۲۱۵). آلبانی آن را صحیح دانسته است.

در اینجا سه دسته از مردم را ذکر فرموده: است: آنانی که نعمت را شکر می‌گویند و [منعم را] ثنا می‌گویند و دسته‌ای که آن را انکار می‌کنند و کتمان می‌کنند و دسته سوم که وانمود می‌کنند از اهل نعمت هستند اما نیستند در نتیجه لباسی را به تن کرده‌اند که مال آنان نیست.

و در اثر دیگری که به صورت مرفوع (منسوب به پیامبر صلی الله علیه وسلم) روایت شده آمد است: آنکه شکر کم را نگوید شکر بسیار را به جای نخواهد آورد و آنکه از مردم تشکر نکند شکر پروردگار را به جای نیاورده است. سخن گفتن از نعمت الله شکر است و ترکش کفران، و جماعت رحمت است و تفرقه عذاب است به روایت عبدالله بن احمد در زوائد المسند (۱۸۴۴۹) و آلبانی آن را حسن دانسته است.

قول دوم: سخن گفتن از نعمت که در این آیه (یعنی آیۀ پایانی سورۀ ضحی) به آن پرداخته شده دعوت به سوی الله و تبلیغ رسالت و تعلیم امت است. مجاهد می‌گوید: آن نبوت است. زَجّاج می‌گوید: یعنی آنچه را برایش فرستاده شده‌ای ابلاغ کن و با نبوتی که خداوند به تو ارزانی داشته سخن بگو. کلبی می‌گوید: آن قرآن است. امرش نموده تا آن را بخواند.

اما صحیح این است که هر دو نوع را در برمی‌گیرد. زیرا هر دو نعمتی هستند که امر به شکر و سخن گفتن از آن شده‌ایم و ابراز نعمت از شکر آن است» مختصر از مدارج السالکین (۲/ ۲۳۷).

ابن قیم ـ رحمه الله ـ دربارۀ شکر می‌گوید:

شکر بر سه رکن بنا شده: اعتراف به آن در باطن و سخن گفتن از آن در ظاهر و صرف آن در راه رضایت صاحب نعمت (الوابل الصیب: ۵).

مراجعه نمایید به پاسخ سوال (125984).

والله اعلم.